

استقلال دانشگاه اساس استقلال کشور است

بنام خدا

دانشجویان عزیز - امید پیشوای بزرگ ملت ایران قدم شما را به دانشگاه گرامی می‌داریم و به شما درود می‌فرستیم - شما که با چهره‌ای شاد - دلی آکنده از امید به فردا و قلبی مملو از مهر وطن و سینه‌ای سرشار از وفاداری به راه پیشوای ارجمند ملت دکتر مصدق و کینه عمیق و جانگداز نسبت به استعمار و عاملین آنها به امید فردای بهتر برای خود و هم میهنان خود به دانشگاه آمده‌اید دست شما را گرم می‌فشاریم و صمیمانه‌ترین محبت‌های قلبی خود را نثارتان می‌کنیم و در راه کسب آزادی و استقلال ملت ستمدیده ایران دوشادوش شما می‌کوشیم.

هم اکنون سال نوئی آغاز می‌گردد - امید نوئی شکفته می‌گردد و همراه با آن فرزندان میهن با چشمان پر از مهر پدران و مادران تا دانشگاه بدرقه می‌شوند و در این محیط بزرگ و باشکوه تلاش آغاز می‌کنند و از برخورد به یکدیگر به هم امید می‌بخشند - آری از کوششهای خستگی ناپذیر یک یک آنان امید می‌بارد - امید به فردا - امید به پیروزی - امید و آزادی

اینجا همان رزمگاه دیروزی است. همانجاست که چتربازان تعلیم دیده ارتش شاهنشاهی مغرورانه و با تجهیزات کامل بدان تاختند. اینجا میدان شکنجه قرون وسطائی است - همانجاست که عزیزان ملت را در آب می‌افکنند و شلاق می‌زنند - کمین گاه سازمان امنیت است اینان همان اخلاگران دیروزند - هنوز خاطره حملات مغول آسای لشگریان استعمار را به یاد دارند آنهایی هستند که در حوضها فرو رفته‌اند، شلاق خورده‌اند در سیاهچالهای سازمان امنیت بسر برده‌اند و کسانی هستند که فردا چرخهای علمی کشور را می‌چرخانند دانشجویانی که امروز رئیس دانشگاه می‌گویند در سال پیش سطح معلوماتشان در عین حال بالا بوده است.

دانشجویان عزیز نشانه‌های موفقیت و پیروزی از سیمای درخشان شما که کتک خورده‌اید - زندان رفته‌اید و کشته داده‌اید و در تمام مدت تابستان بدون استراحت خوب هم درس خوانده‌اید و اکنون باز به امید فردای آزاد لبخند می‌زنید نمایان است - شکوفه‌های آزادی به روی شما لبخند می‌زند - اراده استوار شما مشکلات را درهم می‌نورد - پدران و مادران هم جز به شما چشم ندوخته‌اند.

برادران عزیز - شما و استادان شما - اجتماع شما و افزایش تعداد شما مورد کینه و نفرت عمیق هیئت حاکمه ایست که بعد از کودتای ۲۸ مرداد در مقابلتان قرار گرفته‌اند. آنها از شما وحشت دارند تا آن اندازه که حتی دیوانه وار می‌کوشند از ذکر نامتان در روزنامه‌ها هم جلوگیری نمایند. هر روز برای محدودیت و سرکوبی و انهدام شما نقشه می‌کشند زیرا مرگ شما، زندگی آنها و زندگی شما مرگ آنهاست. درست است که طبیعت هم با اینان سرسازش ندارد و سرانجام خیانت به ملتی هلاکت و نابودی است اما ما برای اینکه به پیروزی زودتر برسیم بایستی بهتر با محیط خود آشنا باشیم و از کسانی که از ما حمایت کرده‌اند تشکر کنیم و به آنان که به ما پشت کرده‌اند رو تلخ کنیم و مواظب طرحهای جدیدی که برای تضعیف ما اجرا می‌گردد باشیم و آنها را درهم بکوبیم.

ارزنده‌ترین خاطره سال گذشته ما احترام و محبت متقابل بود که به استادان خود داشتیم و نشان دادیم که به آنها علاقمندیم و همه در یک صف قرار گرفته‌ایم و آنها هم نشان دادند که از محبت پدران خود دریغ نمکنند گردآمدن ما و آنها در یک صف ارزنده‌ترین ضربه‌ها را به هیئت حاکمه غاصب وارد آورد - آن زمان که از فتح دانشگاه غره گشته و مستانه شادی می‌کردند با قهر شدید استادان ما روبرو شدند و استاد و دانشجو از استقلال دانشگاه دفاع کردند.

هیئت حاکمه مجری خواسته‌های استعمارگران از دبیرستان و دانشگاه و اصولاً تحصیل کرده آزاد فکر وحشت دارند چه آنکس که می‌فهمد صفش را از آنان جدا می‌کند در مقابلشان قرار می‌گیرد بنابراین لازمه دیکتاتوری آنها نفهمیدن

مردم است از این رو دانشگاهها بایستی محدود گشته و تحت نظارت هیئت حاکمه درآید و برای اعمال نفوذ هرچه بیشتر بازیچه وزارت فرهنگ گردد. استاد و دانشجو بیدار بایستی یا سکوت کنند و یا اینکه صحنه دانشگاه را ترک گویند و از طرفی همین دانشگاه که بقول آنها محل تحقیق و تتبع است عرصه‌ای برای پرورش اقبالها و میدان نبردی برای فعالیت احزاب اکثریت اقلیت و معروف گردد و هر زمان بخاطر مصالح عالیه کشور؛ رؤسای دانشکده‌ها به فرمان همایونی بدست وزیر فرهنگ نوکر صفت تغییر و تبدیل یافته تا دانشجویان بدست این کرسی نشینان دست نشانده مهره‌ای بیش نباشند و آنها هرچه بیشتر و عمیق‌تر فساد را گسترش داده و در سایه بیخبری اینان به چپاول و خیانت‌های خویش همچنان ادامه دهند و بالاخره استقلال دانشگاه بایستی هرچه زودتر فدای مصالح عالیه گردد.

تحویل امتحانات یک درجه‌ای - پرداخت شهریه برای دانشجویان - تهدید استادان به تصفیه دانشگاه و ایجاد کینه و نفاق بین استاد و دانشجو طرح‌های نوئی برای کوبیدن دانشگاه است.

رویای شیرینی است چه تنها یک سنگر مانده سنگری که با لشکرکشی فتح نشد، اراده‌اش را بایستی گرفت فکر زیبایی است اما نابخردانه تنظیم یافته و وقت اجرای آن گذشته عطف بماسبق هم نمی‌توان کرد زیرا استاد و دانشجو دریافته‌اند که استقلال دانشگاه پایه استقلال کشور است. دانشجویان بخاطر استقلال کشور درس می‌خوانند. درس می‌خوانند که سرنوشت خود را خود بدست داشته باشند. درس می‌خوانند که خود به خویشتن حکومت کنند و پایه‌های حکومت فردی و دیکتاتوری را درهم بریزند. درس می‌خوانند تا بتوانند استعداد‌های خود را جایگزین خیانت‌های دیگران کنند و بساط بی‌عدالتی‌ها را برچینند و این نیز بایستی از دانشگاه یعنی خانه خود آنها شروع شود و خوشبختانه شروع شده - هم اکنون استاد و دانشجو ضامن حفظ استقلال آند و برعلیه کوچکترین دسیسه‌ای که بخواهند این استقلال را پایمال کند دانشجو و استاد بر پشتیبانی یکدیگر قیام خواهند کرد.

مدهاست که هیئت حاکمه مزدور برای از بین بردن دانشگاه طرح می‌ریزد - زمانی عمالش را وا می‌دارد در روزنامه‌ها بنام اصناف و طبقات مردم بستن این لانه فساد؟ را تقاضاکنند - گاهی طرح یک نوبتی امتحانات را تحمیل می‌کند و وقت دیگر شهریه (مالیات بر تحصیل) را وضع می‌کنند اما آزمون که از این دسیسه‌ها مأیوس می‌شود هیاهوی اداره دانشگاه‌های کشور را زیر نظر هیئتی تحت ریاست وزیر فرهنگ‌های معلوم الحال در روزنامه‌ها به راه می‌اندازد و از وظایف شورای مزبور تأسیس یا انحلال؟ دانشگاه و بحث در صلاحیت کادر آموزشی دانشگاه را نام می‌برد.

دانشجویان عزیز ما هرگز نخواهیم گذاشت کوچکترین تعدی به استقلال دانشگاه وارد آورند و آن را در اختیار خود بگیرند و به کسانی که این اندیشه را در سر می‌پروراند گوشزد می‌کنیم که برای حفظ استقلال دانشگاه خواهیم کوشید و به استادان خود که برای حفظ این حرمت دانشگاه استقامت خواهند کرد اطمینان می‌دهیم که تا آخرین لحظه برای دور نگه داشتن دانشگاه از بازیچه شدن بدست این بیخردان خواهیم کوشید و به وزیر فرهنگ مجری طرح نوین استعمار خاطرات اقبال را در دانشگاه یادآور می‌شویم و گوشزد می‌کنیم که ما با نهایت فداکاری برای استقلال دانشگاه خواهیم کوشید.

ما بخوبی می‌دانیم که احترام و اتحاد استاد و دانشجو ضامن استقلال دانشگاه و کشور است.

دانشجویان نهضت آزادی ایران

۲۱ مهرماه ۴۱